

ورود اسلام به منطقه خزر

دوران اولیه تاریخ اسلام که در زادگاه خود- شبه جزیره عربستان- بوجود آمد، با استیلاگری و نفوذ زیاد آن، گسترش سریع در تعدادی از مناطق همجوار و دوردست مشخص شد.

تنها در دودهه پس از مرگ پیامبر محمد بنیانگذار دین جدید، اعراب ضمن تعقیب یزدگرد آخرین پادشاه خاندان ساسانی، در سال 651 در نزدیکی مرو قدیم منطقه و سرزمینی که آن زمان جزو امپراطوری ساسانی بود، ظاهر شدند. شاه به قتل رسید، امپراطوری سقوط کرد و منطقه مرو، که یکی از استان دولت ساسانیان بود، تحت حکومت صاحبان جدید درآمد.

از سال 651 در قلمرو ترکمنستان کنونی تاریخ دین نوین که توسط اعراب آورده شد آغاز شد- اسلام که با گذشت زمان در این منطقه مستحکم شد، بیش از هزار سال تسلط دارد. با این حال روند پذیرش اسلام در همه مناطق این سرزمین (برخلاف عقیده ی بیان شده در سال های اخیر در برخی جمهوری ها درباره پذیرش داوطلبانه سریع و گسترده این دین توسط مردم بومی) دوران بسیار طولانی ای را طی کرد.

در بسیاری مناطق بویژه در بین کوچ نشینان، حتی آنجایی که اسلام بطور رسمی اعلام شده بود، مردم مدتی طولانی بطور پنهان خدایان کهن و باستانی خود را پرستش میکردند و بسیاری از باورهای کهن و آیین ها در این یا آن شکل با احکام و آیین ها و باورهای اسلامی ضمن ایجاد سیستم اعتقاد به توحید عقاید و بعنوان اسلام قوم (قوم اسلام مترجم) شناخته شد، درهم تنیدند.

در همان سال 651 هنگامیکه اعراب برای نخستین بار در قلمرو ترکمنستان کنونی ظاهر شدند، نیروهای نظامی آنها سرزمین خراسان را که منطقه جنوب ترکمنستان جزو آن بود اشغال کردند. نسا، ابیورد (در زمانی دیرتر آن منطقه بعنوان واحه آتک، بخش کاکا کنونی یا اتراب در ترکمنستان معروف شد) و شهر مرو بدون نبرد تسلیم و متعهد به پرداخت خراج زیاد شدند.

علاوه بر این ساکنان شهر مرو می بایستی جا و مکانی را در خانه های خود برای منزل کردن جنگجویان عرب واگذار میکردند. اما حاکم سرخس و ساکنان روستای سینچ در منطقه شهر مرو در برابر مهاجمان و اشغالگران مقاومت کردند و در اکثریت خود توسط اعراب قتل عام شدند.

پس از چند ی در دوران چهارمین جانشین محمد، خلیفه علی (سالهای 656-66) مردم خراسان تصمیم به بهره برداری از شعله مبارزه بر خلافت عرب گرفت و برای سرنگونی حکومت استیلاگران پیشقدم شد. اما قیام مطرح شده بشدت سرکوب شد.

قبایل کوچ نشین و نیمه کوچ نشین خراسان مقاومت سرسخت تری را در برابر اعراب از خود نشان دادند. بنحویکه رهبری مبارزه آنها را حاکم اتحادیه ترکان و قبایل افتالیت [1] نیزاک تارخان که مالک

بادغیس (بادخیز کنونی) محلی بین سرخس، هرات و مرغاب بود بعهده گرفت و بعدا توسط سرداران عرب دستگیر و در سال 709 اعدام شد.

اعراب هنگام تسخیر جنوب غربی ترکمنستان با مشکل بزرگی روبرو شدند. تلاش های بعمل آمده از سوی آنان در اواخر قرن هفتم برای تصرف مناطق دریای خزر طبرستان، گرگان و دهستان (که آخری در منطقه کنونی قیزیل اترک و بخش هایی از اسن قلی جمهوری ترکمنستان واقع بود) با ناکامی پایان یافت: مردم محلی مقاومت سرسختانه ای را از خود نشان دادند و نیروهای اعراب نابود شدند.

در سال 716 نیروهای عمده اعراب بار دیگر به دهستان آمد، جایکه با آن سول حاکم ترک برخورد کرد. پس از شش ماه محاصره شهر عمده این مناطق، زمانیکه آب تمام شده و امراض شیوع یافت، سول مجبور به تسلیم شد.

با تسخیر شهر چهارده هزار اسیر ترک توسط اعراب قتل عام شدند. سول که در شرایط تسلیم زنده ماند، مبارزه را ادامه، و در شهر ال - بوخیرا (یا دهستان - سور) در کرانه خزر این مبارزه تقویت شد. اما بعلت فقدان آب شیرین باز ناگزیر شد که تسلیم شود. این بار وی به همراه همکاران خود بطور دردناکی اعدام شد.

سومین منطقه بزرگ و تا حدی جدا از ترکمنستان خوارزم است که در سال 712 بر اثر دو لشکر کشی خلیفه حاکم در خراسان کوتیب ابن مسلم از اعراب تبعیت کرد. در زمان این لشکر کشی ها بسیاری از عالمان و دانشمندان خوارزم بقتل رسیدند و آثار آنها که در دوره پیش از اسلام بوجود آمده بودند، از بین رفتند.

بدین ترتیب آنطور که می بینیم برای تبدیل مردم ساکن واحه ها به اسلام و همچنین بخش قبایل نیمه کوچ نشین جنوب شرقی ترکمنستان توسط اعراب بیشتر از هفتاد سال طول کشید. البته نباید فکر کرد که تعمیم و معرفی دین جدید بجای دین زرتشتی - مزدکی پیشین تنها با آتش و شمشیر انجام گرفت. اعراب بطور گسترده در همه جا و در همه زمان روش هویج و چماق بکار برده و آنرا متداول کردند.

از این رو هم زمان با تخریب معابد و عبادتگاه های زرتشتی، مساجد مسلمانان را احداث کردند و به کسانی که آنها را عیادت میکردند، پس از نماز و خطبه در بدو امر هنگام خروج دو درهم میدادند که تا اندازه ای مبلغ معقول و مناسب بود. انگیزه بیشتر به آن بود که کسانی که اسلام را نپذیرفته بودند مجبور بودند دوبرابر مالیات سرانه « جزیه » و مالیات زمین « خراج » پرداخت کنند. از آنانی که اسلام را پذیرفته بودند، « جزیه » گرفته نمیشد.

موعظه ها و خطبه های مبلغان مسلمان درباره ادعای اسلام دمکراتیک که برابری ظاهری اعضای جامعه مسلمان در برابر خدا، جلب امید برای بهبودی اوضاع خود با تغییر حکومت و مذهب بنظر میامد، بخش تهیدستان و استثمار شده مردم را بخود جلب کرد.

کسانی که بحساب غارت دیگر مناطق و خلق ها مایل به ثروتمند شدن در دوران جهاد - جنگ های مقدس در راه دین اسلام، قانونی کردن تقسیم غنایم جنگی، تامین مادی مجروح شدگان و معلولین جنگ و همچنین خانواده قربانیان در مبارزه با کفار و پیمان شکنان را ترتیب دادند. علاوه بر آن به شهدای مبارزه تضمین شده که بلا درنگ به بهشت خواهند رفت که در قرآن بسیار زیبا تصویر شده است.

اعضای نخبگان - اشراف، زمینداران - دهقان و بازرگانان شهری ورود به اسلام را برای حفظ ثروت و موقعیت خود بمثابة شیوه ای تاکتیکی در نظر گرفتند. با این حال نه همه بلکه برخی در وابستگی به کیفیات فردی، توان پابندی به مذاهب پیشین و علل دیگر رفتار کردند. مثلا، نیزاک تارخان اشاره میکند که سول و برخی دیگر از رهبران قبایل محلی مرگ را بر تسلط اعراب و دین جدید ترجیح دادند.

وسر آخر، تعمیم و نفوذ اسلام موجب آن شد که در دوران شکل گیری خود و دیرتر بطور فعال از بسیاری عناصر دیگر آموزه های دینی و سنن محلی و مردمی که پیش از اسلام وجود داشتند، استفاده و بهره برداری کند.

در میان آنها ما به نظرات مأخوذ از زرتشتی - مزدکی، دین اصلی مردمان آسیای مرکزی در دوران پیش از اسلام نیز برخورد می کنیم (مثلا، پنج بار نماز، بجای سه بار سابق پیش از این؛ تصور پل افسانه ای چینوات (چینود) که در قرآن نام پل صراط را گرفته که طبق آن گویا در آن دنیا باید روح مردگان از آن به بهشت عبور کنند و امثال آن) [2]

در قرن هفتم - هشتم شبکه یکپارچه مناطق اسلامی شده ایجاد شد - دولتهای مشتمل در سیستم واحد خلافت عربی که بطور کلی نزدیکی ملت های مسلمان و پیدایش آن مجموعه فرهنگ خویشاوند که فرهنگ اسلامی نام گرفت را فراهم آورد.

در قرن نهم و دهم توده های مسلمان کم و بیش یکپارچه از شمال - غرب از طریق منطقه اوست - اورت و از شمال - شرق از طریق فرارود (میانرود یا ماوراءالنهر. مترجم)، بین دو رود آمودریا و سیر دریا و آسیای مرکزی امواج نیرومند قبایل ترک - اوغوزها یا غوزها هجوم آوردند و مؤلفان عرب آنها را یکی از نیاکان اصلی ترکمن ها نامیدند. طبق باورهای مذهبی خود توده ی اصلی آنها شامانیست باقی ماند.

ابن فضلان سیاحتگر و مبلغ مذهبی معروف عرب در قرن دهم که در سال 922 نزد اوغوزها پی که به منطقه اوست - اورت کوچ کرده بودند، مانده بود گزارش میدهد که همه تلاش وی برای معطوف ساختن آنها به اسلام بیهوده ماند.

آنطور که خود کوچ نشینان به او بازگو کرده بودند، یکی از حاکمان آنها بنام اینال کوچک اسلام را پذیرفته بوده، اما بعد هنگامیکه هم قبیله های او در برابر وی آلترناتیو باقی ماندن در سمت رئیس قبیله آنها، ضمن امتناع از دین جدید یا حفظ وفاداری خود، اما از دست دادن قدرت را مطرح کردند، وی اولی را انتخاب کرد.

از این رو پذیرش نهایی اسلام توسط اوغوزها تنها در پایان همان قرن دهم و آغاز قرن یازدهم روی داد. بنابراین اسلامیزه کردن مردم همه مناطق ترکمنستان کنونی، چنانچه در برخی نقاط جوامع کم شمار مسیحیان و بودایی های حفظ شده بحساب آورده نشود و بطور جداگانه به آن به بحث خواهیم پرداخت، پایان رسید.

1- افتالیت ها: هون سفید ویا قیابیل هون تبارترک زبان هستند که درقرون وسطی اولیه درقرن ششم درسرزمینهای آسیای مرکزی سکنی داشتند و دولتی را در آسیای مرکزی تشکیل دادند که شامل سغد، بلخ، افغانستان وشمال هند را دربرمی گرفت.دولت افتالیت ها دولتی فئودالی بود.ویکیپدیا.مترجم

2- پل افسانه ای چینوات (چینود) دردین زرتشت پلی بین دنیا ها است که پس از مرگ همه افراد می بایست از گذرگاه داوری (پل چینود) که درزیرآن آتش و آهن مذاب روان است عبورکنند.گذر ازاین مرحله به کردارنیک افراد بستگی دارد.درقرآن پل صراط نامیده شده است. ویکیپدیا.مترجم